



طیبه ابراهیمی^۱

چکیده

وقف بزرگترین صدقه جاریه است که باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور می شود و می تواند بسیاری از مشکلات جامعه را برطرف نماید، با نگاه به تاریخ در می یابیم که این نهاد در ملل مختلف قبل از اسلام وجود داشته و مورد امضاء و تاکید و سفارش اسلام قرار گرفته است. آن گونه که رفتار و شیوه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) رواج و گسترش وقف در جامعه اسلامی بوده و در شأن و جایگاه آن بسیار سخن فرمودند و مؤمنین به پیروی از آنها سعی می کردند بخشی از امکانات مالی خود را وقف امور خیریه کنند. حال این پرسش مطرح است که راهکارهای ترویج فرهنگ وقف در جامعه کنونی چیست؟ و چگونه می توان این فرهنگ را در بین مردم رواج داد؟ شیوه تحقیق در این نوشتار به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالب از متون علمی، استخراج و به توضیح و تشریح آن پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، عدم شناخت مردم از وقف، عدم مدیریت وقف و عدم راهکارهای مناسب مشارکت مردم در امور خیر، از جمله عواملی هستند که مانع توسعه وقف می گردد. پژوهش حاضر در نهایت پیشنهاداتی در راستای تشویق و چگونگی مشارکت در این امر خیر و نیز اصلاح قوانین و اقدامات اجرایی، ارائه داده است؛ با این پیش فرض که بکارگیری این پیشنهادات می تواند منجر به توسعه فرهنگ خیر ماندگار گردد. فلذا اگر سنت نیک و پسندیده وقف رواج پیدا کند، سهم عمده ای در تحول جامعه ایفا خواهد کرد.

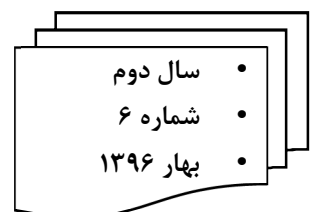
واژگان کلیدی: وقف؛ واقف؛ موقوف؛ توسعه فرهنگ وقف.

۱. مقدمه و بیان مسئله

فرهنگ؛ شیوه های زندگی، سنتها و باورها حاکم بر جوامع است و انسان بوجود آورنده فرهنگ است که قابل آموزش و قابل انتقال در بین مردم است و می توان، برای نظم و استحکام بخشیدن به جامعه انسانی آن را توسعه داد و توسعه نیز مستلزم تغییرات است که نیاز به فعالیت بلندمدت دارد. فطرت انسان به گونه ای است که همیشه به دنبال خوبیها و نیکی هاست. همه انسانها بصورت فطری گرایش به فضایل انسانی، مانند نیکی و خیر رساندن به دیگران دارند. نیکو کاری و صدقات جاریه همانطوری که در بین همه اقوام و ملل متمدن وجود داشته و اکنون نیز به صورت های گوناگون در بین مردم وجود دارد. انسان های نیکوکار برای کمک به هموعان و رفع مشکلات آنان قسمتی از اموال خود را صرف نیازمندی های اجتماعی می کنند. همان گونه که در نظام حقوقی اسلام از «وقف» برای خیرات استفاده می شود، با تفاوت هایی در نظام حقوقی کشورهای دیگر بکار گرفته می شود. کارهای خیر در همه ی جوامع به عنوان یک عمل مورد پسند تلقی می شود و اثرات مثبتی بر افراد می گذارد. استفاده کنندگان از مال موقوفه، شخص یا گروه خاصی است یا وقف برای مصلحت عموم مردم است. موارد این چنین، بیانگر این است که بشر در جوامع مختلف، برای رفع نیاز خود به وجود نهادهایی شبیه وقف احتیاج دارد.

۲. جایگاه و اهمیت وقف

احسان و نیکوکاری که مبتنی بر کمک به دیگران است، از برترین فضائل و صفات نیکوی انسانی است که دین اسلام نیز بدان دستور داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». «همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان فرمان می دهد. خداوند در آیه ۸ سوره عادیات می فرماید: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» و همانا او علاقه شدید به مال دارد. در قرآن از مال دنیا به «خیر» تعبیر کرده است: «لِحُبِّ الْخَيْرِ» تا بفهماند مال باید از راه خیر بدست آید و در راه خیر با نیت خیر و با شیوه خیر مصرف گردد. قرآن تشویق می کند که از بهترین اموال خود انفاق کنید، یا آنچه از زمین بیرون می آورید برای دیگران سهمی در نظر بگیرید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ. (بقره- ۲۶۷) شرط ورود به بهشت ایمان و عمل صالح است و احسان و نیکوکاری باید سیره ی انسا شود و مطمئن باشد که پاداش آن از طرف خداوند تضمین شده است.



بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره- ۱۱۲). آری، کسی که با اخلاص به خدا روی آورد و نیکو کار باشد، پس پاداش او نزد پروردگار اوست، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد. بعضی از آیات، موضوع خاصی را مطرح می کند « وَ لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا». (نساء-۹) و آنان اگر فرزندان ناتوان از خود برجای بگذارند و برآنان بیم دارند، باید از ستم بر یتیمان بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی بجا و درست گویند. این آیه بیان می دارد که هر جا، جای نگرانی و احتمال فقر و ضایع شدن حق باشد، باید انسان متفکر، آینده نگری کند. از این رو به افراد توصیه می کند اگر نگران فرزندان ضعیف خود هستند چاره اندیشی کنند و از حقوق آنها، دفاع و با وصیت، یا وقف نگذارد حق آنان ضایع شود و از طرف پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) بر انفاق و صدقه جاریه تاکید ویژه ای شده است. زیرا این سنت حسنه علاوه بر تزکیه نفس انسانی، خدمت به هموعان و کمک به مصالح جامعه و تنظیم امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

۳. پیشینه وقف

به طور کلی می توان گفت؛ گذشتگان در فرهنگ خود به نوعی از تصرفات مالی شبیه وقف، آشنایی داشته اند، و بخشی از اموال خود را برای خدایان و معابد تخصیص می دادند تا درآمد آنها به مصرف تعمیرات، نوسازی، اقامه مراسم و خرج کاهنان (رهبران دینی) و خادمان برسد. بویژه در مصر باستان، یونان، روم، بابل و فلسطین قبل از اسلام نیز موقوفاتی وجود داشته و به این منظور از درآمد آن بهره می گرفته اند (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸ : ۱۵-۱۳). با نگاه به تاریخ در می یابیم که این نهاد در ملل مختلف قبل از اسلام وجود داشته و مورد امضاء و تاکید و سفارش اسلام قرار گرفته است. آن گونه که رفتار و شیوه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) رواج و گسترش وقف در جامعه اسلامی بوده و در شأن و جایگاه آن بسیار سخن گفته اند؛ از جمله پیامبر (ص) فرموده است: "اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث: صدقه جاریه او علم ینتفع به او ولد صالح یتستغفر له؛ وقتی آدم بمیرد، پرونده ی عمل وی مسدود می شود، مگر در سه مورد: صدقه جاریه، علمی که از آن نفع برده شود و فرزند صالحی که برایش دعا کند." (طباطبائیان، ۱۳۷۸ : ۴۲) امروزه نیز کشورهای متعددی در دنیا بخوبی از وقف در توسعه کشورشان بهره مند هستند، نیکو کاری و صدقات جاریه همانطوری که در بین همه اقوام و ملل متمدن وجود داشته و اکنون نیز به صورت های گوناگون در بین مردم وجود دارد. انسان های نیکوکار برای کمک به هموعان و رفع حوائج آنان قسمتی از اموال خود را صرف نیازمندی های اجتماعی می کنند. همان گونه که در نظام حقوقی اسلام از «وقف» برای خیرات استفاده

می شود، با تفاوت هایی در حقوق انگلیس و کشورهای کامن لا از نهاد «تراست» برای کمک به دیگران استفاده می شود. «تراست» تعهد منصفانه ای است که شخصی به نام تراستی را ملزم می کند تا از مالی که تحت کنترل و نظارت اوست - و مال مورد تراست نامیده میشود - در جهت انتفاع افرادی که ذینفع نامیده می شوند و خودش نیز ممکن است یکی از آنها باشد، استفاده نماید (سهرابی وفا، ۱۳۹۴ : ۱۵) و در قانون کشور فرانسه شبیه به وقف وجود دارد که طبق این قانون، پدر اجازه دارد مالی را به فرزندش ببخشد و یا به نفع او وصیت کند که در حال حیات خودش از آن بهرمنند شود و بعد از مرگش به اولادش منتقل شود.

۴. معنی لغوی و اصطلاحی وقف

وقف در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است و نیز بمعنی حبس عین ملک یا مالی و مصرف کردن منافع آن در اموری که واقف معین کند و آنچه که کسی از ثروت خود جدا کند که در کارهای عام المنفعه از آن استفاده کنند (عمید، ۱۳۶۳ : ۱۱۹۳) و ماده ۵۵ قانون مدنی در مقام تعریف حقوقی و اصطلاحی وقف می گوید: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.» تعریفی که قانونگذار از «وقف» به عمل آورده است حدوداً همان است که فقهای امامیه گفته اند، (امینیان مدرس، ۱۳۸۱ : ۲۲) چنان که امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید: «وهو (الوقف) تحبیس العین و تسبیل المنفعة» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ : ۶۲) و مرحوم محقق حلی در شرایع می نویسد: «الوقف حبس الاصل و سبل الثمره» (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق، ج ۲، ۱۶۵) وقف عقدی است که ثمره آن حبس اصل و تسبیل منافع است تسبیل منافع یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است. از نظر قانون مدنی، مالی وقف است که عین آن حبس شود؛ یعنی به اراده مالک، مصون از انتقال و تلف گردد. برای جلوگیری از انتقال ملک به وارثان و تملک قهری آن به وسیله طلبکاران، مال موقوف باید از شمار دارایی واقف بیرون رود (کاتوزیان، ۱۳۷۸ : ۳۱۲).

۵. ارکان وقف

برای تحقق یافتن وقف باید چهار رکن مورد توجه قرار گیرد و شرایط آنها بدرستی انجام گردد. ارکان وقف چهار تاست: عقد وقف، واقف، عین موقوفه و موقوف علیه.

۵.۱. عقد وقف

شرط صحت وقف منجز و قطعی و دائمی بودن و خارج کردن ملک مورد وقف از ملکیت واقف و به قبض و تصرف موقوف علیه دادن و ایجاب و قبول می باشد.

۵.۱.۱. آثار عقد وقف

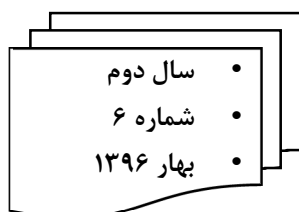
۱- صیغه وقف: تمامی علمای شیعه امامیه و مذاهب اربعه بر این مطلب اتفاق نظر دارند که وقف با لفظ «وقف» تحقق پیدا می کند و این لفظ صراحت در وقف دارد و به هیچ قرینه لغوی، شرعی و عرفی احتیاج ندارد (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۱۶).

۲- قانون مدنی این نظریه را که وقف با ایجاب و قبول واقع می شود را پذیرفته است: بنا بر ماده ۵۶ قانون مدنی «وقف واقع می شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که به صراحت دلالت بر معنی آن داشته باشد و قبول طبقه اول از کسانی که به آنها وقف می شود یا قائم مقام قانونی آنها در صورتی که محصور (قابل شمارش و محدود) باشند. مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه (وقف عام) باشد در این صورت قبول حاکم شرط است».

۳- طبق ماده ۶۱ آن قانون: وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمی تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا با آنها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود بعنوان تولیت دخالت کند.

۵.۲. واقف

کسی است که با عقد وقف مال خود را جهت امور خیر هدیه می کند. براساس ماده ۵۷ قانون مدنی «واقف باید مالک مالی باشد که وقف می کند و به علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است.» از جمله اینکه عاقل و بالغ باشد و قصد داشتن و با اختیار کامل بودن و اینکه فقدان حجر وی لازم (یعنی ناتوانی عقلی نداشتن در اداره امور زندگی) است. شخصی که مالی را می خواهد وقف کند باید بالغ باشد یعنی به سن ۱۸ سال رسیده باشد. عقل نیز یکی دیگر از شرایط وقف است؛ وقف شخص صغیر و مجنون درست نیست. شخصی که می خواهد وقف کند باید قاصد و راضی باشد یعنی مورد اکراه و اجبار قرار نگیرد؛ در



صورتی که شخص اکراه به وقف شود وقف صحیح نیست و نیاز به قبولی شخص واقف دارد. همچنین محجور نبودن شخص نیز یکی دیگر از ویژگی‌هاست؛ مثلاً شخص سفیه که توانایی اداره مال خود را ندارد نمی‌تواند وقف کند.

۵.۳. موقوف یا موقوفه

مالی است که توسط واقف در امور خیر اهداء شده است و باید مالی باشد که با بقای عین بتوان از آن منتفع گشت اعم از اینکه منقول (مالی است که قابل نقل و انتقال فیزیکی است) باشد یا غیرمنقول (مالی است که غیر قابل جا به جایی مادی و فیزیکی است) مشاع باشد (مالی است که مشترک بین چند نفر باشد) یا مفروز (مالی است که سهم هر کس افزاز شده و مشخص است). (ماده ۵۸ قانون مدنی) اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می‌کند. (ماده ۵۹ قانون مدنی).

۵.۴. موقوف علیه

وقف در صورتی نافذ است که موقوف علیهم دارای چهار شرط باشد: ۱- موجود باشد ۲- اهلیت تملک داشته باشد. ۳- معین باشد. ۴- واقف خود را موقوف علیه یا در زمره آنان قرار نداده باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۸۸). شخص یا اشخاصی است که با عقد وقف، موقوف به آنها تعلق می‌گیرد و باید بتوانند قانوناً و شرعاً تملک نمایند (سامانی، ۱۳۹۴ : ۸۰). بنابراین موقوف علیه باید در حین وقف موجود باشد. پس وقف بر معدوم جایز نیست و اگر واقفی منافع وقف را اختصاص با اشخاص یا شخص معینی بدهد و پس از اجرای صیغه وقف معلوم گردد که آن شخص یا اشخاص در هنگام عقد وقف مرده بوده اند چنین وقفی باطل است همچنین اگر وقف کند بر اولاد دیگری که هنوز وجود ندارند باز هم درست نیست در مورد وقف بر حمل بعضی از فقهای اسلام آن را صحیح و بعضی دیگر آن را نادرست می‌دانند. (همان : ۹۰).

۶. انواع وقف

وقف به اعتبار موقوف علیه به عام و خاص تقسیم می‌شود:

۶.۱. وقف خاص و آن وقف بر شخص یا اشخاص معین است مانند وقف بر اولاد و اعقاب آن‌ها.

۶،۲. وقف عام و آن وقف بر اشخاص و مصلحت عام است. مانند وقف بر مساجد، راه ها، پل ها، وقف بر عناوین عام مانند فقراء، ایتمام نیز وقف عام است. البته گاهی از وقف به مثل فقراء و ایتمام وقف بر عناوین عام و از وقف بر جهت و مصلحت عامه به وقف بر جهات عام نیز تعبیر می شود (نایب زاده، ۱۳۹۴ : ۸۹-۸۸).

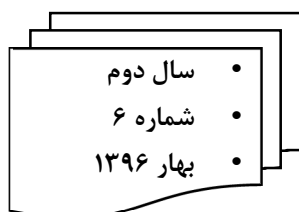
جمعی از فقهای اسلامی در این مورد میان وقف خاص و وقف عام تفصیلی قائل شده اند باین معنی که در وقف خاص وجود موقوف علیه را هنگام عقد وقف واجب دانسته اند و در وقف عام آن را لازم ندانسته اند بلکه همین اندازه که عاده ممکن باشد بعداً موجود شوند و از مصارف وقف استفاده کنند، کافی در صحت عقد دانسته اند چنانکه اگر واقفی مالی را وقف بر فقرا و بینویان و یا دانشجویان و طلاب شهر و ده خود بنماید و در هنگام عقد وقف موقوف علیه موجود نباشد ولی بعداً بوجود آید ، چنین وقفی را صحیح دانسته اند (سهرابی وفا، ۱۳۹۴ : ۱۲).

۷. تولیت و نظارت بر وقف

چون در وقف باید عین مال حفظ و منافع آن به مصارف مشروعی که واقف تعیین کرده است، برسد. لذا برای اداره کردن آن، ممکن است واقف شخص یا اشخاصی را برای اداره موقوفه تعیین کند. و چنین کسی (متولی منصوص) نامیده می شود و همچنین ممکن است واقف خود را متولی قرار دهد و در این صورت خود او عهده دار امور موقوفه خواهد شد. علاوه بر آن می تواند ناظر بر اداره وقف تعیین کند و گاه ممکن است موقوفه متولی نداشته باشد و از طرف مقامات مربوطه برای اداره آن یک نفر متصدی یا متولی منصوب گردد یا امین قرار داده شود. اگر در وقف متولی تعیین نشده تولیت با حاکم شرع است و در صورتی که متولی بخواهد از تولیت کناره گیری کند باید به حاکم شرع رجوع کند و اگر متولیان باهم اختلاف کلی داشته باشند مانند موقوفه بدون متولی است حاکم شرع برای آن متولی تعیین می کند (نایب زاده، ۱۳۹۴ : ۱۲۷-۱۲۳).

۸. تشویق به انفاق در قرآن

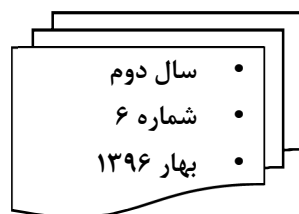
مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره ۲۶۱)



مَثَلِ [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست.

«انفاق مهم‌ترین طریق حل مشکل فاصله طبقاتی: یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی که همواره انسان دچار آن بوده و هم اکنون با تمام پیشرفتهای صنعتی و مادی که نصیب بشر شده نیز با آن مواجه است مشکل فاصله طبقاتی است به این معنی که فقر و بیچارگی و تهیدستی در یک طرف و تراکم اموال در طرف دیگر قرار گیرد. عده‌ای آن قدر ثروت بیندوزند که حساب اموالشان را نتوانند داشته باشند و عده دیگری از فقر و تهیدستی رنج برند، بطوری که تهیه لوازم ضروری زندگی از قبیل غذا و مسکن و لباس ساده برای آنان ممکن نباشد بدهی است جامعه‌ای که قسمتی از آن بر پایه غناء و ثروت و بخش مهم دیگر آن بر فقر و گرسنگی بنا شود قابل دوام نبوده و هرگز به سعادت واقعی نخواهد رسید. در چنین جامعه‌ای دلپره و اضطراب و نگرانی و بدبینی و بالاخره دشمنی و جنگ اجتناب‌ناپذیر است. یکی از اهداف اسلام این است که اختلافات غیر عادلانه‌ای که در اثر بی‌عدالتی‌های اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف پیدا می‌شود از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمی‌توانند نیازمندیهای زندگیشان را بدون کمک دیگران رفع کنند بالا بیاورد و حد اقل لوازم زندگی را داشته باشند، اسلام برای رسیدن به این هدف برنامه وسیعی در نظر گرفته است- تحریم رباخواری بطور مطلق، و وجوب پرداخت مالیاتهای اسلامی از قبیل زکات و خمس و صدقات و مانند آنها و تشویق به انفاق- وقف و قرض الحسنه و کمکهای مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می‌دهد، و از همه مهم‌تر زنده کردن روح ایمان و برادری انسانی در میان مسلمانان است (مکارم: ج ۲، صص ۲۳۲-۲۳۴)

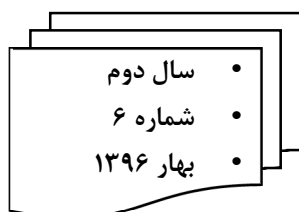
از نظر قرآن معیار انسانی، ایمان و عمل صالح است. یکی از این اعمال صالح، نیکوکاری است که پس از عقیده درست، مطرح شده است. وَ مَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (نساء- ۳۹). و برایشان چه می‌شد به خدا و روز باز پسین ایمان می‌آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق می‌کردند، (چه زبانی بر ایشان داشت؟) و خداوند به نیت ایشان دانا است. راه دیگر تشویق، مبارزه با رذایل اخلاقی است. مؤمنان در اثر ایمان به خدا، دیگران را برخورد مقدم می‌دارند: وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَحِّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر- ۹) و هر چند در خودشان نیازی مبرم باشد، آنها (مهاجران) را برخورد مقدم می‌دارند و کسانی که از بخل نفس محافظت شوند، آنان همان رستگارانند. آیه بیانگر این است که گاهی هواهای نفسانی و شیطانی، مثل بخل در درون انسان، مانع از کارهای خیر می‌شود،



در صورتی که عده ای در اثر ایمان به خدا این توانمندی را پیدا می کنند که بر بخل غلبه یافته و حتی نیاز دیگران را بر نیاز خود اولویت دهند. اما نکته مهم این است که در قرآن کریم محوریت انفاق و صدقه در راه های عمومی است، وجهت گیری مهم آنها، آن صدقه ای است که هم بماند و هم دائمی باشد. هم نیک و مفید باشد و هم ناظر به یکی از ضرورتها و نیازهای جامعه و عمومی باشد. انسانی که هم دارای مال فراوان و فرزندان بسیار است، آنچه برای او می ماند، چیزهایی است که باقیات صالحات و فایده اجتماعی داشته باشد: وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا (مریم-۷۶). نیکی های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگار بهتر و از جهت پاداش بهتر و خوش فرجام تر است (طباطبائیان، ۱۳۷۸ : ۳۹-۳۳).

۹. جایگاه رسانه ها و شبکه های تبلیغی

کمک به هممنوع و رفع مشکلات انسانها امری ذاتی و فطری است و خداوند متعال میل به کمک کردن به دیگران را در وجود هر انسانی به ودیعه نهاده است، به همین دلیل ما شاهد کمک رسانی به نیازمندان در بین تمام جوامع مختلف و حتی در بین غیر مسلمانان هستیم و انسانها با کمک به دیگران در واقع پاسخ به نیازهای فطری خودشان می دهند و از این کار راضی و خوشحال می شوند. بنابراین هنگامی که مردم در مقابل نیازمندان احساس مسؤولیت می کنند و آماده کمک رسانی هستند این وظیفه سازمان اوقاف و امور خیریه است که با همراهی شبکه تبلیغی و اصحاب رسانه تدبیری اندیشیده و زمینه ساز بروز تحولات مهم در جهت رفع مشکلات اجتماعی باشند. رسانه ها می توانند با برجسته سازی نقش کمک های مردمی و احترام به واقفان و موقوفات، گامی بلند در احیای سنت حسنه وقف بردارند. رسانه ها قادرند از این جهت تغییر و تحولات چشمگیری در جوامع بوجود آورند. از آنجایی که تبلیغات در دنیا حرف اول را می زند و بیشتر خانواده ها از تلویزیون استفاده می کنند، رسانه های ملی می توانند با تهیه فیلم و گزارش روح احسان و نیکوکاری را در بین مردم برانگیزند و برای زنده نگهداشتن فرهنگ نیکوکاری و برقراری عدالت در جامعه، این وظیفه رسانه ها است که نیاز های روز وقف را بشناسند و شرایط و زمینه های توسعه آن را بیان کنند و حتی برنامه هایی برای کودکان و نوجوانان در این راستا درست کنند و به صورت غیر مستقیم به آنان آموزش بدهند که در زندگی به فکر کمک به افراد ناتوان و افتاده باشند و از طرفی وظایف اصلی آموزش و پرورش فرهنگ آموزی است، بنابراین کتاب های درسی به عنوان رسانه آموزشی می تواند بستر خوبی برای ترویج نیکوکاری باشد.



۱۰. نقش آموزش و پرورش و دانشگاه

معلمان و مربیان پرورشی نیز در ترویج وقف به دلیل جایگاه ویژه خود می‌توانند. باری رسان اداره اوقاف و امور خیریه باشند با آموزش‌هایی که می‌دهند می‌توانند نسل آینده را طوری تربیت کنند که در راستای امور خیر قرار گیرند و در زمان تحصیل، آنان می‌توانند در جهت افزایش امکانات و وسایل آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها مثل خیلی از کشورها «صندوق‌هایی» بوجود آورند و هدف این صندوق‌ها احیای امور خیر از راه جذب سرمایه‌های کوچک و مشارکت هرچه بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان باشد و هر صندوقی مسئولی داشته باشد و عواید صندوق‌ها در زمینه کمبودهای همان مدارس و دانشگاه‌ها مصرف شود. این کار علاوه بر تربیت نوجوانان و جوانان و باعث تأمین انگیزه انسان دوستانه آنان شده و از طرف دیگر، کمک شایانی به اقتصاد کشور خواهد کرد و باری از دوش دولت برداشته می‌شود. سنت حسنه‌ی وقف در قرون مختلف در گسترش علم و دانش مؤثر بوده و موجب شکوفایی تمدن عظیم اسلامی گردیده است. در نتیجه، باید مسئولان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی توسعه کشور به این امر توجه کنند. زیرا؛ ساختار و کارکردهای نهاد وقف بر ساختار و کارکردهای نهادهای دیگر، چون؛ نهادهای علمی، پژوهشی، آموزشی، درمانی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر مستقیم دارد. وجود هزاران مدرسه، مسجد، درمانگاه، بیمارستان، حسینیه، کتابخانه و... بهترین گواه و شاهد آن است. دانشگاه‌ها همچنین، برای توسعه علم و آموزش باید اعتماد و مشارکت افراد خیر را به خود جذب کنند تا این سنت حسنه تداوم داشته باشد.

۱۱. مدیریت صحیح موقوفات

یکی از عواملی که موجب افزایش انگیزه برای وقف کردن می‌شود عمل به نیت و انگیزه واقف است. طبق احکام اسلامی، درآمدهای موقوفه عیناً باید به مصرفی برسد که واقف تعیین کرده است و اداره اوقاف در این زمینه وظیفه دارد مدیرانی را به کار گیرد که آشنا به امورات وقف باشند. خداوند در این مورد می‌فرماید: اموال را به کسانی ندهید که سفیه و نادان در کار هستند و نمی‌دانند که چگونه باید اداره و صرف کنند: *وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا*. (نساء- ۵). سرپرستی وقف در مرحله اول به واقف است و پس از او به فردی است که واقف تعیین می‌کند و دولتها نباید تاجایی که ممکن است در وقف دخالت کنند و در صورت نداشتن سرپرست به عهده حاکم شرع است و اگر اداره اوقاف چنین عمل کند هم موجب رضایت واقف شده و هم باعث تشویق مردم به امور خیر می‌گردد.

۱۲. بحث و نتایج

فطرت انسان به گونه ای است که همیشه به دنبال خوبیها و نیکی هاست.. همه انسانها بصورت فطری گرایش به فضایل انسانی، مانند نیکی و خیر رساندن به دیگران دارند. صدقه جاریه یکی از سنتهای خوبی است که از صدر اسلام تا کنون در بین مردم رواج داشته است. صدقه جاریه باعث می شود مردم به فکر یکدیگر باشند. کارهای خیر در همه ی جوامع به عنوان یک عمل مورد پسند تلقی می شود و اثرات مثبتی بر افراد می گذارد. در کشورهای اروپایی، وقف به معنایی که در قوانین ما وجود دارد به چشم نمی خورد، ولی فکر ایجاد بنیادهای خیریه همیشه وجود داشته و امروزه در غالب کشورها، بنیادهای خیریه سهم بزرگی در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برعهده دارند و در توسعه کشورشان از آنها بهره مند هستند و از این جهت اشتراکاتی با

وقف دارند. در این میان می توان به انگلیس، آلمان، سوئیس به عنوان کشورهای پیشرو و دارای قوانین تسهیل کننده امور خیریه، اشاره کرد. این امر با تفاوتها و بین مردم ایران وجود دارد. طبق احکام اسلامی وقف عمل به انجام کاری طبق نیت و انگیزه واقف است که باید نسبت به این امر توجه جدی صورت گیرد تا درآمدهای موقوفه عیناً به مصرفی برسد که واقف تعیین کرده است و با عمل به نیت و انگیزه واقفان می توان آنان و دیگران را به امور خیر و انجام عملی خداپسندانه تشویق کرد. در فقه اسلامی و قانون مدنی وقف، اگر چه به وقف به عام و خاص تقسیم شده است. و وقف خاص هم باز به وقف بر شخص و اشخاص مانند اولاد واقف، و یا طبقه خاص مانند دانشجویان تقسیم شده است. اما هر وقفی که نفع آن عمومی باشد از ارزش بیشتری برخوردار است و در نهایت شایستگی و امانت داری و توانایی و آگاهی از امور خیر در مدیریت وقف اهمیت بسیار دارد و باید کسانی به مدیریت اوقاف انتخاب شوند که این شایستگی و امانت داری و توانایی در آنان وجود داشته باشد. از آنجایی که وقف می تواند راهگشای حل مسائل و مشکلات و نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی جامعه باشد. باید مشکلات شناسایی شود و از طریق رسانه های ملی به آگاهی مردم برسد و همچنین نظام آموزشی نسل آینده کشور را طوری تربیت کنند که در راستای امور خیر قرار گیرند و در زندگی مردم تأثیر گذار باشند.

۱۳. پیشنهادات

نیازهای جامعه در نتیجه پیشرفتهای تکنولوژی و وجود فنآوری اطلاعات و ارتباطات نسبت به گذشته تغییر عمده ای کرده است، با توجه به کارکردهای مثبت وقف در جامعه، ضروری است هر کدام از موضوعات جدید بررسی و قوانینی در زمینهی وقف و چگونگی مصارف آن با توجه به نیازهای روز جامعه تدوین شود.

اداره اوقاف باید فعال عمل کند و از طریق رسانه ها عملکرد خود را به مردم ارائه دهد، در نتیجه توجه مردم به وقف بیشتر شده و زمینه احیای این سنت حسنه و نبوی فراهم گردد.

اولویت های وقف در شرایط کنونی کشور در حوزه علم و دانش است. ضروری است، تشویق به وقف در زمینه، ایجاد موسسات دانش بنیان و جذب نخبگان دانشگاه ها مورد توجه قرار گیرد.

برنامه ریزی آموزش رسمی و غیررسمی در مدارس و دانشگاهها، باید طوری طراحی شود که بتواند دانش آموزان و دانشجویان را در طول تحصیل با امور خیر همراه کند.

هر کدام از موضوعات وابسته به خیرماندگار جای پژوهش فراوان دارد تا تمام جزئیات آن کنکاش و بررسی شود.

۱۴. منابع

- قرآن

- امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۱)، *وقف از دیدگاه حقوق و قوانین*، تهران، انتشارات، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) چاپ اول.

- بزرگی سید مهدی (۱۳۷۹)، *راههای ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه*، فصلنامه وقف میراث جاوید تابستان، شماره ۳۰ (۱۱۷-۱۰۶).

- ریاحی سامانی، نادر (۱۳۷۸) *وقف و سیر تحولات قانونگذاری در موقوفات*، شیراز، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.

- سامانی، احسان (۱۳۹۴) *بررسی فقهی حقوقی وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.

- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰)، *نگاهی به: وقف، آثار اقتصادی - اجتماعی آن*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.

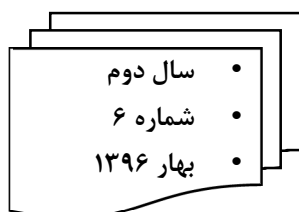
- سهرابی وفا، مریم (۱۳۹۴)، *مطالعه تطبیقی وقف در حقوق ایران و تراست در حقوق انگلیس*، پایان نامه دانشگاه پیام نور، مرکز بهار.

- طباطبائی، عطیه سادات (۱۳۹۳) *وقف در قرن ۲۱ (با نگاهی برگزیده و آینده)* تهران، انتشارات ایده نو، چاپ دوم.

- عمید، حسن (۱۳۶۳) *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.

- کاتوزیان، ناصر، *تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن*، مجله نقد و نظر، دوره ۶، زمستان ۱۳۷۸، شماره ۲۲-۲۱ (۳۳۱-۳۰۷).

کاتوزیان، ناصر، *عقود معین* (۱۳۷۳)، تهران، انتشارات یلدا، چاپ دوم.



- محقق، حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق) *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*؛ ۴ جلد، قم - ایران، مؤسسه اسماعیلیان چاپ دوم.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، *تفسیر نمونه*، جلد ۲، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

- ملک افزلی، محسن و درون پرور، حامد (۱۳۹۲) *جایگاه و نقش وقف در توسعه فرهنگی*، فصلنامه تحقیقی، اجتماعی و تاریخی سال بیست و یکم، پاییز، شماره ۸۳ (۱۹-۳۴).

- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، *تحریر الوسیله*، قم، انتشارات دارالعلم.

- نایب زاده، اشرف (۱۳۹۴)، *بررسی فقهی حقوقی نقش حاکم در وقف عام*، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.